

دروس آية الله سيّد رضا حسيني نسب

علم منطق

درس اول

تعريف علم منطق

واژه "منطق" در لغت عربی به معنای اسم وسیله است برای نطق، و "نطق" به معنای لفظ منسجمی است که دارای معنایی مشخص باشد؛ و در اصطلاح عام، کلمه "منطق" گاهی به معنای خرد و اندیشه، و یا به معنای برهان و استدلال می آید.

اما در اصطلاح علوم، "منطق" نام دانشی است که به منظور صیانت ذهن انسان از خطای در تفکر وضع شده است، تا میزانی برای درست اندیشیدن باشد.

در طول بیش از بیست قرن گذشته از دانشمندان این فنّ ، مانند ارسطو ، توماس آکویناس ، ابن سینا ، و اندیشمندان معاصر در اروپا و جهان اسلام ، تعاریف گوناگونی برای علم منطق بیان گردیده است. در اینجا به برخی از تعاریف مشهور این دانش اشاره می کنیم :

تعریف اول : منطق ، وسیله ای قانونی است که مراعات آن ، ذهن را از اشتباه در اندیشیدن ، مصون می دارد.

تعریف دوم : منطق ، یک فنّ نظری است که چگونگی ساختار تعریف صحیح و برهان درست را نشان می دهد.

تعریف سوم : منطق ، وسیله و ابزار علم است.

تعریف چهارم : منطق ، قانون درست اندیشیدن است.

تعریف پنجم : منطق ، فنّی است که با نظامی منسجم و به آسانی و بدون خطا ، ما را به تفکر عقلانی ، رهنمون می سازد.

تعریف ششم : منطق ، فنّی است که فکر انسان را در جهت شناخت اشیاء در زمینه یاد گرفتن و یاد دادن ، به نحو احسن رهبری می کند.

تعریف هفتم : منطق ، علمی است که جوانب و ابعاد کلی تفکر صحیح را مورد بحث قرار می دهد.

تعریف هشتم : منطق ، دانش عملیات فکری است ، که در نتیجه آن، علوم به وجود می آیند.

تعریف نهم : منطق ، علم پیشگیری از خطا است.

تعریف دهم : منطق ، دانشی است که ساختارهای زبانی زبان های طبیعی را مورد بحث قرار می دهد.

از مجموعه تعاریف یادشده روشن می گردد که منطق ، دانشی است که راه های تفکر صحیح و استدلال درست را نشان می دهد. به همین دلیل ، این علم را "میزان" هم نامیده اند ؛ زیرا معیاری برای تشخیص تعاریف و استدلال های صحیح است.

در اینجا به دو نکته دیگر نیز اشاره می کنیم :

نکته اول : از آنجا که صحت یا سقم استدلال ها در زبان طبیعی از دیدگاه منطق ارسطویی به "فرم" و "صورت" آن ها وابسته است ، بر این اساس، منطق یادشده را "منطق صوری" یا به زبان لاتین "Formal Logic" نامیدند.

منطق صوری ، قوانین و ضوابط عام و کلی را در خصوص تعریف و استدلال صحیح ، مورد بحث قرار می دهد.

نکته دوم : از آنجا که علم منطق ، یک علم آلی است ، یعنی دانشی است که به عنوان وسیله و ابزاری برای دانش های دیگر وضع شده است ، بنا بر این ، در بسیاری از تعاریف بالا ، واژه های

"وسیله" و "ابزار" به کار رفته است. بدین جهت ، در یکی از تعاریف آن به زبان عربی هم چنین آمده است:
"المنطق آلة قانونیة تعصم مراعاتها الذهن عن الخطأ في الفكر".

موضوع علم منطق

موضوع هر علم ، عبارت است از آنچه که آن دانش در باره عوارض ذاتی آن بحث می کند.

موضوع علم منطق ، عبارت است از : "معرّف" و "حجّت".

از آنجا که رسالت اصلی منطق ، تضمین تفکر صحیح است ، و اندیشیدن درست هم شامل "تعریف کردن صحیح" و "استدلال کردن صحیح" می باشد ، بر این اساس ، موضوع علم منطق را "معرّف" و "حجّت" دانسته اند.

با توجه به آنچه گذشت ، فائده علم منطق نیز ، روشن گردید. زیرا دانستیم که این دانش ارزشمند ، در صورتی که به درستی فراگرفته شود و با دقّت به کار بسته شود ، ذهن را از خطا و اشتباه در تفکر و اندیشه باز می دارد ، و روش درست تعریف کردن و درست استدلال کردن را ارائه می نماید.

تدوین کننده علم منطق

قواعد و ضوابط درست اندیشیدن ، از دیر زمان توسط دانشمندان علوم عقلی به صورت پراکنده بیان گردیده است. اما برای اولین بار، حکیم بزرگ یونان ، یعنی **ارسطو** ، قواعد مذکور را در مجموعه ای واحد با نظامی منسجم گردآوری کرد و با تکمیل ابعاد دانش یادشده ، آن را به صورت علمی مجزاً ، تدوین نمود.

ارسطو در سال 384 قبل از میلاد در مقدونیه به دنیا آمد و در سنین نوجوانی به آتن مهاجرت کرد و از هیفده سالگی ، در محضر درس افلاطون به آموزش علوم پرداخت. وی تا بیست سال پس از درگذشت افلاطون در آن شهر به تعلیم دانش های گوناگون اشتغال داشت و پس از آن توسط پادشاه مقدونیه برای تعلیم و تربیت فرزندش اسکندر مقدونی ، به آن سامان دعوت شد و از آتن مهاجرت نمود ؛ اما پس از هفت سال ، مجدداً به آتن بازگشت و نهادی علمی را تاسیس کرد و در آنجا به تربیت شاگردان خود پرداخت. وی در اواخر عمرش توسط سردمداران وقت ، به مخالفت با معتقدات رایج آن سرزمین متهم شد و به جزیره "اوبویا" (Euboea) فرار کرد و در سال 322 قبل از میلاد ، از دنیا رفت.

ارسطو ، که در علوم گوناگون زمان خود متبحر بود ، فلسفه مشائی را بنیانگذاری کرد ، و علم منطق را مدون ساخت.

از آنجا که وی در هنگام تعلیم و تدریس خود ، به قدم زدن مبادرت می ورزید ، مکتب فلسفی او به نام مکتب "مشائی" معروف گشت.

آثار علمی ارسطو در زمینه فلسفه به معنای خاص که اصول و مبادی اولیه نامیده شده ، پس از نوشته های او در زمینه علوم طبیعیات تدوین و توسط شاگردانش منتشر شد و از از اینرو ، به "ما بعد الطبیعه" یا "متافیزیک" معروف گردید.

همچنین ، آثار علمی او در زمینه منطق ، در مجموعه ای با عنوان "Organon" (که ما آن را ارغنون می خوانیم) تدوین شد. این مجموعه ، شامل مقولات ، جدلیات ، قضایا ، ابطال مغالطات ، آنالوطیقای اول ، و آنالوطیقای دوم می باشد.

"آنالوطیقا" (analytic) [به معنای تحلیل کردن ، یا به قول فارابی : [تحلیلات بالعکس] ، بخشی از کتاب ارغنون است و شامل دو بخش می گردد.

ارسطو ، عمده مباحث مربوط به استدلال و قیاس ، و مباحث حدّ و تعریف ، و قواعدی که ذهن را از خطای در فکر مصون می نماید را در آنالوطیقای اول و دوم ، بیان داشته است.

کتاب دیگری که بعدها با اقتباس از رساله های برهان و جدل تدوین گردید و به عنوان مقدمه و مدخلی برای منطق صوری ارسطو تلقی شد ، کتاب "Isagoge" (که ما آن را ایساغوجی می نامیم) است.

این رساله را "فرفورئوس" که یکی از نخستین فلاسفه نو افلاطونی می باشد ، در قرن سوم میلادی به رشته تحریر در آورده است. پس از ترجمه کتابهای مذکور توسط دانشمندان مسلمان ، علم منطق مانند بسیاری از علوم دیگر ، در پرتو اندیشه های متفکران و حکیمان مسلمان تکامل یافت و کتابهای ارزشمندی در این زمینه به رشته تحریر در آمد.
